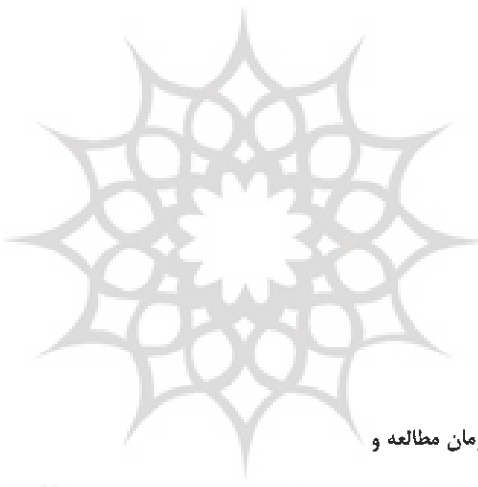


تحریف ناپذیری قرآن

○ میکانیل جواهری



- تحریف ناپذیری قرآن
- تألیف: آیت الله محمدهادی معرفت
- ترجمه: علی نصیری
- ناشر: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)
- چاپ اول: پاییز ۱۳۷۹

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی



(در گذشته ۱۰۲۸ هـ. ق) بود، بنیان گذاری گردید پس از او نیز افرادی چون سید نعمت الله جزایری (متولد ۱۰۵۰ و متوفی ۱۱۱۲ هـ. ق)، شیخ عبدالله بن صالح سماهیجی (در گذشته ۱۱۳۵ هـ. ق) میرزا محمد اخباری (در گذشته ۱۲۳۳ هـ. ق) و محدث نوری (متولد ۱۲۵۴ و متوفی ۱۳۲۰ هـ. ق) ادامه دهندگان آن طریق بودند.

گروه اخباریه در طول قرن یازدهم و دوازدهم هجری قمری سیطره افکار و عقاید خود را در ایران، بحرین، نجف و کربلا گسترده کردند تا جایی که اصول گرایان و معتقدین به اجتهاد و مجتهدین از بیم آنها تدریس اصول فقه را تعطیل کرده و برخی دیگر در زیر زمین و سرداب خانه ها به تدریس آن پرداختند! اخباریون با نفی حجیت عقل، ظواهر قرآن و اجماع در فهم و درک مسایل شرعی و دینی راه استنباط احکام دین را منحصر در سنت یعنی قول و فعل معصوم و آن هم قول و فعل معصومین غیر از نبی اکرم (ص) نموده و بدین ترتیب سه منبع مهم دستیابی به حقایق دین را می راندند و آنچنان زخمی بر دین و دینداری وارد کردند که اثرات آن هنوز پابرجاست چنانکه استاد شهید مرتضی مطهری این حقیقت تلخ را چنین می نگارد:

پیشگفتار

در فرازها و فرودهای تاریخ اسلام همواره به آفتها و آسیب هایی برخورد می کنیم که جامعه دینی و دینداران جامعه در معرض آن قرار گرفته عده ای آفت زدند و آفت پراکندند و عده ای مصون مانده و آفت زدودند. در این میان چه ظلمها و جنایتهایی که بر دین بار نمودند و چه جورها که بر جانها روا نمودند. این بیماری مستمر مهلک تا بدانجا رسیده که اگر کسی بخواهد همه آنها را گرد آورده و بازگو نماید و به عنوان یک آسیب شناس جامعه دینی به بیان، بررسی، تحلیل و حل آن بپردازد اگر نگوییم متعذر یقیناً متعسر خواهد بود.

یکی از جدی ترین و خطرناک ترین این آسیبها تحجّر، سطحی نگری، خشک مغزی و در یک کلمه جمودگرائیست، این آفت در میان خوارج به نحوی افراطی و اهل سنت با گرایشات ظاهری و سلفی در طول تاریخ به وفور به چشم می خورد و متأسفانه در میان شیعیان نیز تندروی های برخی اخباریان نشان از تأثیرپذیری در برابر این آفت دارد. اخباریان گروهی بودند که توسط ملامحمد امین بن محمد شریف استرآبادی (در گذشته ۱۰۳۳ هـ. ق) که او نیز شاگرد میرزا محمد استرآبادی

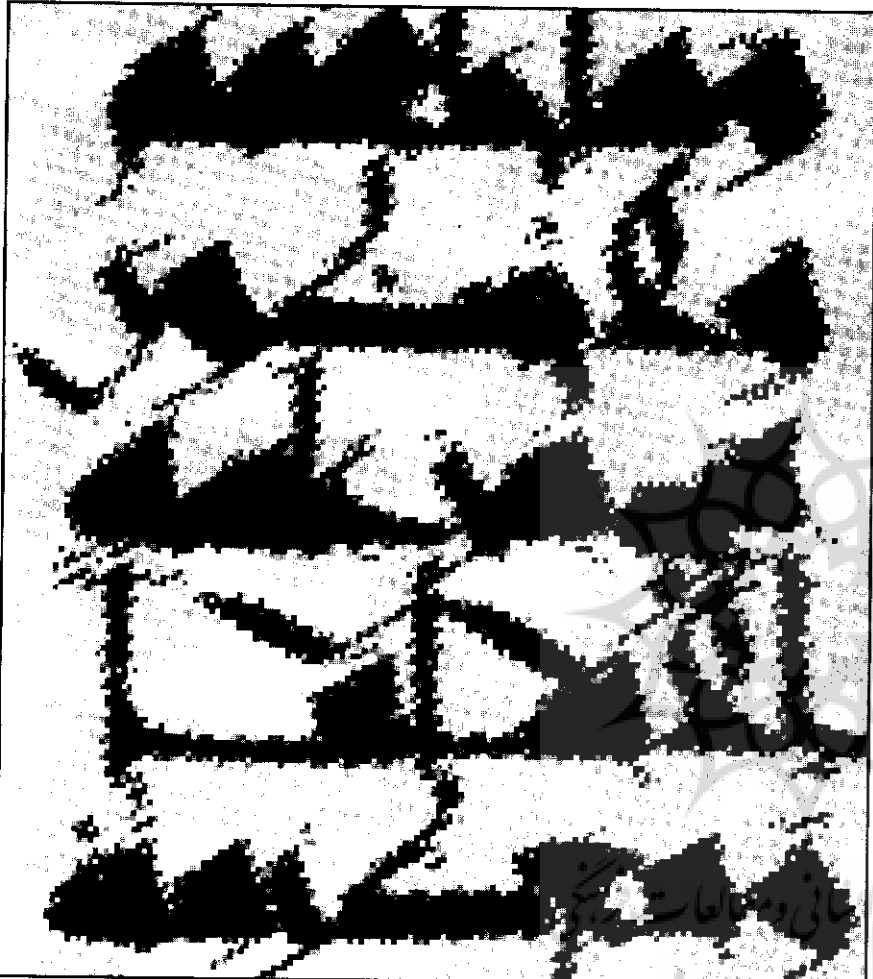
«همة افکار اخباری‌گری که به سرعت و شدت بعد از پیدایش ملائین در مغزها نفوذ کرد و در حدود دو بیست سال کم و بیش سیادت کرد از مغزها بیرون نرفته، الان هم می‌بینید خیلی‌ها تفسیر قرآن را اگر حدیثی در کنارش نباشد جایز نمی‌دانند، جمود اخباری‌گری در بسیاری از مسایل اخلاقی و اجتماعی و بلکه پاره‌ای مسایل فقهی هنوز هم حکومت می‌کند...»^۱

باری آنان درباره عدم حجیت ظواهر قرآن چنین باور داشتند که کسی جز اهل عصمت قادر به درک قرآن و تفسیر آن نیست و نه تنها حجیت ظواهر قرآن را نفی کردند بلکه اساساً اصل ظهور قرآن را نیز نفی کرده و قائل به عدم ظهور برای الفاظ قرآن گردیدند و نتیجه آن شد که قرآن از انتفاع ساقط شده در گوشه تاقچه‌ها و قفسه‌ها جا گرفت، همان کتابی که پایدارترین هدایت‌ها^۲ و مهم‌ترین منبع تدبیرهاست^۳ و چنین است که شکایت پیامبر از امتش در مهجور نهادن این کتاب عزیز صادق شد^۴ و برای چندمین بار تأویل یافت.

پس از چندی این آسیب گسترش یافته و آفت بر آفت افزوده گردید و به آنجا رسید که سید نعمت‌الله جزائری با تألیف کتاب منبع الحیاة فکر تحریف قرآن را در سرها پروارنده و در زبان گروه اخباریه جاری ساخت و بعد از او نیز محدث نوری با تألیف کتاب فصل الخطاب فی تحریف کتاب رب الارباب راه او را پی گرفت و مستمسکی متین برای مخالفین تشیع در دست آنها نهاد تا فرقه ناجیه را متهم به تحریف قرآن و بی‌اعتبار دانستن آن نمایند. این حربه شیرین در کام وهابیت آنچنان خوش آمد که شروع به بدگویی و طعن و لعن کرده و با نوشتن کتاب‌ها و رساله‌ها در اثبات قول به تحریف در مذهب شیعه به استهزاء، تمسخر، تکفیر و رد شیعیان اقدام نمود، به علاوه این تفکر متحجرانه و منحرف موجب ایجاد شبهه و فتنه در اعتقاد متدینین و دوری آنها از این معجزه الهی و منبع علم و هدایت شد و دامنه آن تا زمان حاضر امتداد یافت.^۵

راقم این سطور خود چند سال پیش با فردی قائل به تحریف قرآن آن هم به زیادت و کاستی و تبدیل بود طی یک مباحثه کتبی، عمق و شدت این آسیب بزرگ را به معاینه مشاهده کرد و از آنجایی که این‌گونه افراد خود به سستی و سخافت دلایل مورد ادعایشان آگاهند از پذیرش مناظره حضوری به بهانه‌ای واهی طفره رفت، جالب آن که شخص یاد شده تفسیر قرآن کرده و برای مردم به قرآن استخاره و به وسیله آن راه نجات دردمندان را مکتوباً یا شفاهاً بیان می‌داشت!

علما و آسیب‌شناسان بزرگ و ارجمند شیعه که از جمله آنها استاد گرامی حضرت آیت‌الله معرفت بشمارند با شناخت دقیق از این آسیب که مصیبتی بزرگ در جامعه دینی و به قول ایشان نسبت ظالمانه‌ای است به قرآن کریم^۶ به نوشتن کتاب حاضر اهتمام ورزیده و چه خوب از عهده آن برآمده و حجت را بر قائلین به تحریف تمام کرده و پیراستگی شیعه از اعتقاد به تحریف قرآن را با دلایل محکم و استوار اثبات نموده است. مترجم این اثر گرانسنگ جناب حجت‌الاسلام شیخ علی نصیری نیز با تلاشی درخور ستایش آن را به فارسی ترجمه و در اختیار مردم قرآن دوست ما قرار داده است.



معرفی کتاب

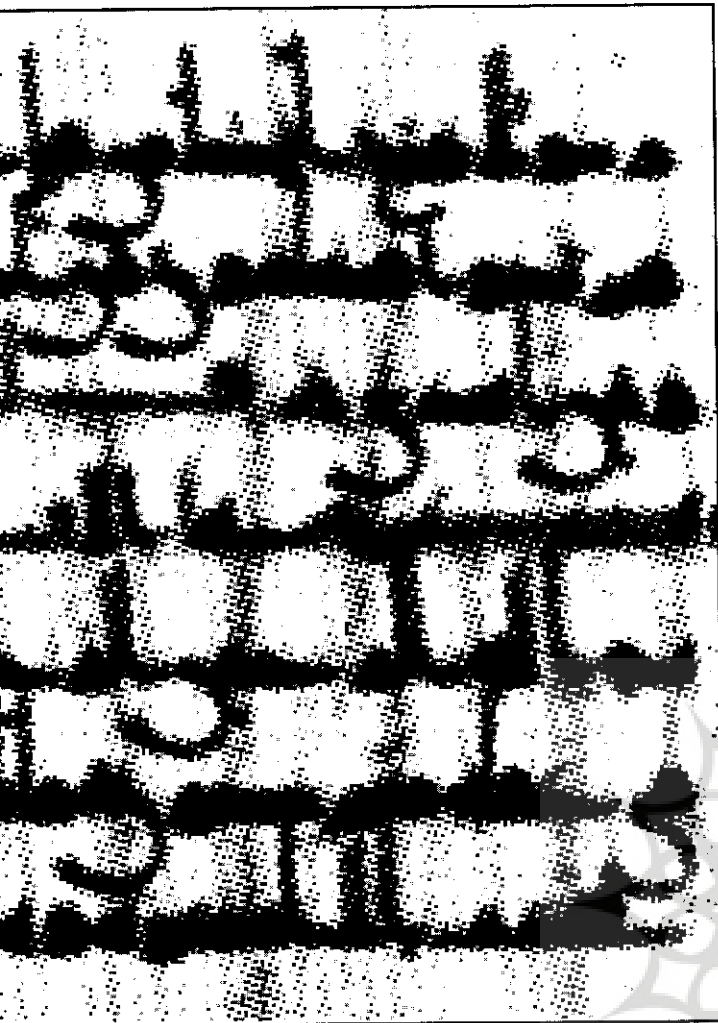
این کتاب در سه مقدمه، یک پیشگفتار، هشت فصل و فهرست منابع و مأخذ در مجموعه‌ای با ۲۷۹ صفحه به انجام رسیده است.

مقدمه‌ها

اولین مقدمه متعلق به ناشران است که هدف از نشر این کتاب را پاسخگویی به نیازهای گسترده دانشگاه‌ها به متون درسی و دانشجویان رشته الهیات مقطع کارشناسی ارشد در گرایش علوم قرآن و حدیث ذکر می‌کنند.

مقدمه دوم توسط مؤلف بر ترجمه حاضر نوشته شده و مؤلف در آن ضمن ذکر علت القای شبهه تحریف از طرف دشمنان دانا و دوستان نادان، دفاع از قرآن را وظیفه دینی هر مسلمان به ویژه سنگرداران شریعت دانسته و نگارش کتاب صیانة القرآن من التحریف را به پیروی از استاد خود مرحوم آیت‌الله خوبی در این راستا شمرده است و از ترجمه کتاب توسط





آیات نیز با این تحدی نمی‌سازد. همچنین کاستی نیز نظم اعجازی آن را بر هم می‌ریزد و با اعجاز بلاغی قرآن تعارض دارد. ۴- آیه حفظ: آیه انا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَ اِنَّا لَهُ لَحٰفِظُوْنَ مانندگاری و سلامت قرآن را با هر رخدادی که بقایا اصلتش را به خطر اندازد تضمین نموده است علاوه بر آن آیه ۹۴ و ۹۵ سوره حجر، آیه ۶۷ سوره مائده، آیه ۵۲ سوره حج، آیه ۱۸ سوره انبیا، آیات ۶ و ۷ سوره اعلی و آیه ۱۶ و ۱۹ سوره قیامت نیز همگی به حفظ و حراست و تضمین سلامت قرآن دلالت دارند و اگر کسی اشکال کند که شاید آیه حفظ و آیات همسان دیگر نیز تحریف شده باشد مردود است چه این که ائمه اطهار(ع) به قرآن کنونی تمسک جسته و آن را امضا می‌نمودند و دیگر اینکه حتی قائلین به تحریف نیز چنین گمان ندارند که همه قرآن تحریف شده باشد بلکه صحت آیاتی را که در مصحف است به عنوان وحی آسمانی شناخته و به آن معترف بوده و در متون کنونی قرآن زیادی و تبدیل را اظهار نمی‌دارند. ۵- نفی باطل از قرآن: آیه ۴۱ و ۴۲ سوره فصلت دلالت صریح بر مصونیت قرآن از هر گزندی و کم و زیاد شدن دارد. ۶- عرضه روایات بر قرآن: امام صادق(ع) از قول پیامبر فرموده است: «هر آنچه موافق کتاب خداست بدان عمل کنید و هر آنچه مخالف آن است رهایش سازید» و از آنجا که معروض علیه (قرآن) می‌بایست قطعی باشد تا بتوان معروض (احادیث و روایات) را به آن عرضه داشت، دلیل محکمی بر عدم تحریف قرآن است. ۷- نصوص اهل بیت: هفت دسته از روایات معتبر بر عدم تحریف قرآن دلالت دارند. مؤلف آنها را آورده و به صورت اجمال چگونگی دلالت آن را توضیح می‌دهد.

حجت‌الاسلام نصیری تقدیر به عمل می‌آورد.

مقدمه سوم توسط مترجم به رشته تحریر در آمده و در آن معنی و مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف و تقسیم آن به تحریف لفظی و معنوی و محل وقوع تحریف را در قرآن و سنت مورد بحث قرار می‌دهد. عوامل پیدایش دیدگاه تحریف نسبت تحریف قرآن به شیعه از طرف وهابیون و تلاش دانشمندان شیعه در رد تحریف و معرفی بعضی از کتاب‌های نگارش یافته در این زمینه را یاد می‌کند و بعد از توصیف و ذکر مزایای کتاب صیانة القرآن من التحریف چگونگی اقدام برای ترجمه آن از طرف خود را باز می‌گوید.

پیشگفتار

مؤلف در پیشگفتار، آغاز نسبت تحریف را به اختلاف در تهجی و قرائات و یکدست شدن مصاحف در زمان عثمان داده و انعکاس آن را در فرقه حشویه، که قائل به تجسم و تشبیه خداوند بوده و احادیثی را که اصل و اساس درستی ندارد و آن فرقه به آن استناد کرده‌اند را ذکر نموده و تعدادی از آیات را که قائل به تحریف در آن بوده‌اند و بعضی از علما مانند ابن حزم اندلسی و شیخ محیی‌الدین ابن عربی به آن اشارتی تابیدگراانه دارند را بیان و به طور اجمال آن را رد می‌کند و در پایان هدف خود را از نگارش این اثر دفاع از قداست و پیراستگی قرآن و دفاع از اعتقاد شیعه به عدم تحریف قرآن بیان می‌دارد.

فصل اول

تحریف در لغت و اصطلاح، انواع تحریفاتی که مورد ادعای مدعیان تحریف است، قرآن و واژه تحریف، نسخ تلاوت، مسأله انشاء و توضیح و تحلیل این مباحث محتوای این فصل را تشکیل می‌دهد. مؤلف در این فصل، تحریف اشاره شده در بعضی از روایات ائمه(ع) را به تحریف معنوی قرآن یاد کرده و برای آن دلایل مستندی می‌آورد. اینگونه تحریف به معنای آن است که مفاهیم آیات قرآن را به نحوی تفسیر و شرح دهند که غیر از معنای واقعی و راستین آن باشد که در زبان احادیث به تفسیر به رأی نامبردار است. سپس به عقیده بعضی از علمای اهل سنت که قائل به نسخ تلاوت هستند می‌پردازد به این بیان که گفته‌اند برخی از آیات نسخ گردیده و از قرآن برداشته شده ولی حکم آن تا ابد باقی است. استاد به چهار دلیل این ادعا را ابطال می‌نماید. ۱- دلیل قاطعی بر مدعا وجود ندارد. ۲- قرآن فعلی با قرائات متواتر رسیده و در قرائات مختلف دیگر تواتری وجود ندارد. ۳- اضافات به قرآن در کلام پیشینیان خصوصاً مصحف ابن مسعود از باب حاشیه‌نویسی و تفسیر و بیان آیات بوده است ۴- در جایی که ناسخ نباشد نسخی نیست و وقتی سند حکمی به واسطه برداشته شدن الفاظ آن برداشته شده باقی ماندن حکم بی‌معنی است. و بعد به بیان آراء بعضی از علمای اهل سنت در رد نسخ تلاوت پرداخته است.

فصل دوم

چکیده دلایل بطلان شبهه تحریف در قرآن شامل: ۱- گواهی تاریخ: اهتمام و توجه غیرقابل انکار مسلمین در حفظ و نگهداری آیات قرآن از زمان نزول تا زمان حاضر. ۲- ضرورت تواتر قرآن: هر حرف و کلمه قرآن از دوره رسالت و در طول قرون و در تمام طبقات باید به تواتر ثابت شده باشد و چنین نیز شده بنابراین اخبار شاذ و نادر و یا اخبار واحدی که در خصوص کاستی قرآن رسیده غیرقابل اعتنا است. ۳- جنبه اعجاز: قرآن در آیات مختلف همگان را به تحدی و هم‌آوردی دعوت کرده ولی تاکنون کسی موفق به این عمل نشده است. ادعای زیادت یا تبدیل به آیات یا در



رهبر فرقة نعمت‌اللهی و ملقب به سلطان علی شاه که در سال ۱۳۱۴ شمسی در تهران چاپ شده و دیگری تفسیر موسوم به تفسیر علی‌بن ابراهیم هاشم قمی بخش دیگری از این فصل است. مؤلف با استناد به تاریخ تألیف کتاب بیان السعادة که گلد زیهر به دروغ آن را به قرن سوم و اوایل قرن چهارم نسبت داده دروغ‌پردازی او را هویدا می‌سازد. همچنین انتساب تفسیر مذکور به علی‌بن ابراهیم را رد کرده و آن را پرداخته شاگرد او بنام ابوالفضل علوی و آمیخته با تفسیر ابوالجارود دانسته و به بررسی جالبی از آن می‌پردازد. در پایان این فصل تحریف سخن بزرگان شیعه توسط محدث نوری را با ذکر نمونه‌هایی بیان داشته و به نقد آن می‌پردازد.

فصل پنجم

تاریخچه‌ای از روش اخباریان تندرو در سده‌های اخیر و نقل حدیث و چگونگی آن در سده‌های اولیه و انحراف آن در سده ۱۱ به بعد و حاصل انحراف در افرادی چون سید نعمت‌الله جزائری و محدث نوری که بدون تتبع و توجه به اسناد روایات آن را در کتاب‌های خود جمع‌آوری کرده و صحیح آن را با سقیم مخلوط نموده‌اند مبحث این فصل است. مؤلف اخباریون در شیعه را با فرقه حشویه در اهل سنت مقایسه کرده و آنها را برای اسلام فاجعه‌آمیز می‌داند، سپس به شخص جزائری پرداخته و افسانه‌سازی‌های مضحک او را نقل می‌کند. او اولین کس در مذهب شیعه است که قائل به تحریف قرآن شده است.

محدث نوری نیز با نگارش کتاب فصل الخطاب پیروی او را کرده و پس از اینکه با مخالفت شدید دیگر علمای شیعه روبرو گشت رساله‌ای بنام الرسالة الجوابیه در توجیه مطالب نادرست فصل الخطاب نمود که آن نیز به نوبه خود پر از خلل و کزی است.

فصل ششم

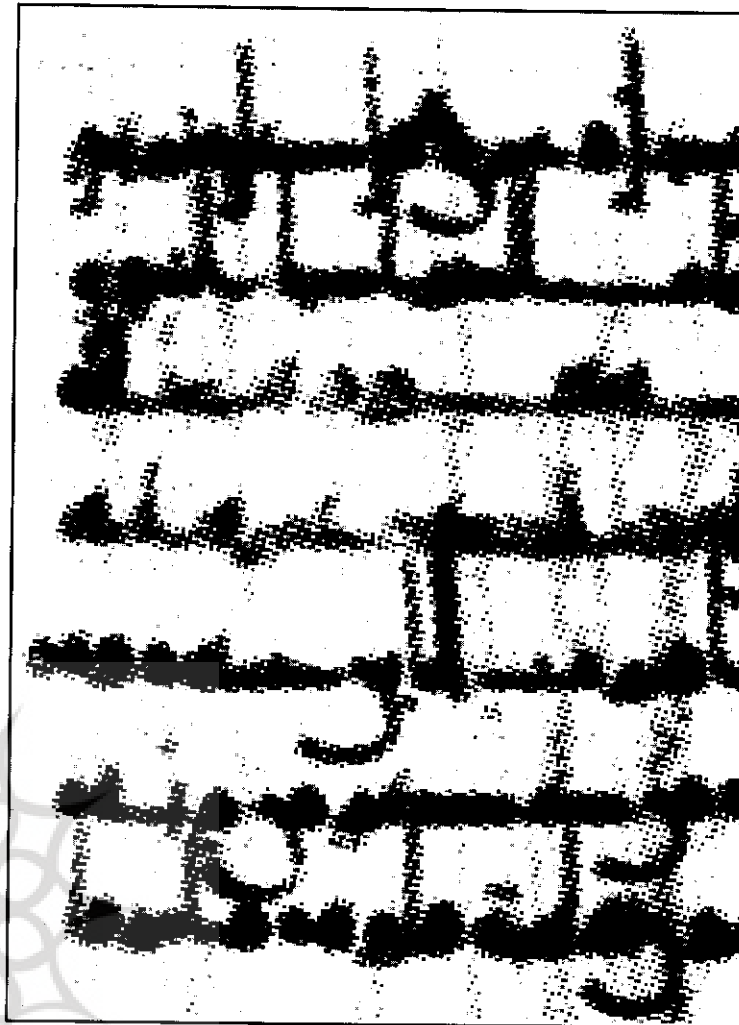
از آنجایی که بعضی از قشریون و من جمله محدث نوری پنداشته‌اند لزوماً بین حوادث گذشته با حوادث امروز همگونی تمام عباری برقرار است پس بین تحریف تورات و انجیل با تحریف قرآن تشابهی وجود دارد. مؤلف در این فصل به بررسی مفصل تحریف در کتب عهدین و چگونگی آن پرداخته و با ذکر تاریخ جمع و گردآوری تورات و انجیل و تفسیرات انجام یافته در تراجم آن به نتیجه می‌رسد که تحریف کتب عهدین فرع بر وجود اصل آن است و در حالی که نسخه اصلی از تورات و انجیل در دست نیست و آنچه هست ترجمه‌های ذوقی با افزون‌ها و کاستی‌های فراوان می‌باشد، قیاس کردن آن با قرآن قیاس مع الفارق و بدون دلیل است. در پایان فصل به بررسی جایگاه و مقدار تشابه بین حوادث تاریخی و بین انسان‌ها پرداخته و لزوم تشابه را در اصول و ریشه‌های حوادث معرفی می‌کند نه در موضوع حوادث.

فصل هفتم

منشأ شبهه تحریف در قرآن روایات شاذی است که توسط اهل حدیث جمع‌آوری و نقل گردیده و مورد توجه افراد ضعیف‌العقل از جمله فرقه حشویه از اهل سنت قرار گرفته است. حرص و ولع این افراد در جمع کردن حدیث موجب شد که بدون تفکر و تتبع در اسناد روایات و تطبیق آن با اصول و اساس مبانی اسلام آن را پذیرفته و در کتاب‌های خود فراوان سازند. نویسنده در این فصل به بررسی این نکته پرداخته و سپس ۲۶ نمونه از این گونه روایات را که فرقه حشویه دلیل بر تحریف قرآن دانسته و در کتاب‌های خود آورده‌اند را به ترتیب ذکر و با دلایل تاریخی، عقلی و نقلی همه آنها را باطل می‌سازد. بررسی ادعای تحریف در آیه رجم، آیه رغبت، آیه جهاد، آیه فراش، حذف بسیاری از آیات، جابجایی، افزایش و تغییر در ساختار کلمه، سوره ساختگی ولایت از جمله این مباحث است.

فصل هشتم

فرقه اخباریون در شیعه نیز مانند فرقه حشویه در اهل سنت دچار



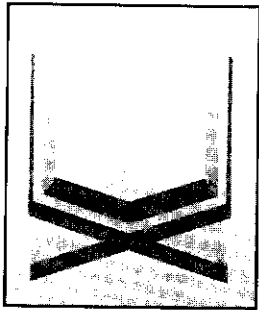
فصل سوم

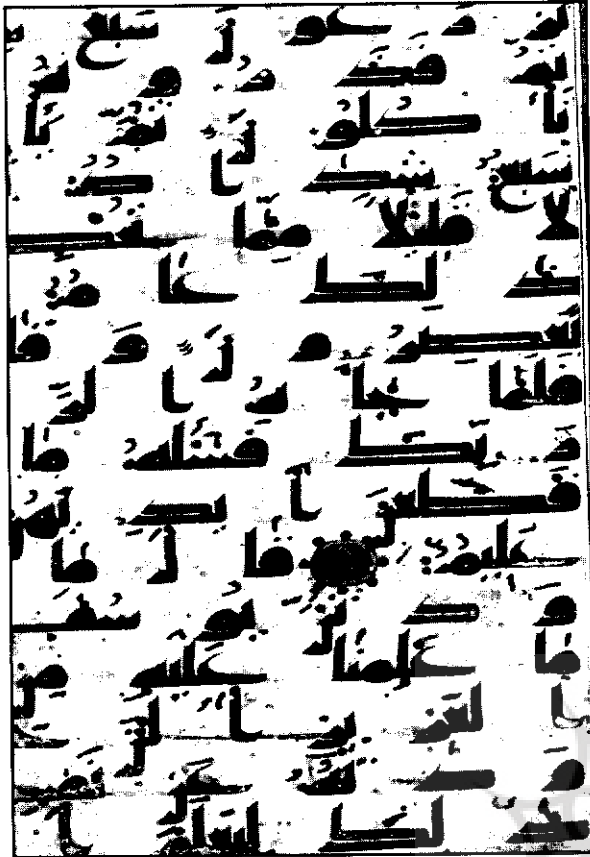
گفتار درخشان‌ترین و برجسته‌ترین علمای متقدم، متاخر و معاصر عالم تشیع که در عالم تحقیق و تدبیر گوی سبقت را از دیگران ربوده و سخنان ایشان الگوی نگرش شیعه به امهات مسایل مطروحه در هر بابی می‌باشد یکی از بزرگترین ادله عدم تحریف قرآن در دیدگاه مکتب تشیع است. مؤلف در این فصل گفتار واستدلال بیش از ۲۲ نفر از اساطین علمای شیعه شامل: ابوالقاسم گیلانی، شهید تستری، شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدمرتضی، شیخ طوسی، طبرسی، علامه حلی، محقق اردبیلی، کاشف الغطاء کبیر، محمدحسین کاشف الغطاء، شیخ بهایی، فیض کاشانی، حر عاملی، محقق تبریزی، حجت بلاغی، محقق بغدادی، محقق کرکی، سیدشرف‌الدین عاملی، سیدمحسن امین عاملی، علامه امینی، علامه طباطبایی، امام خمینی و آیت‌الله خویی را می‌آورد.

فصل چهارم

مؤلف در این فصل گواهی صاحب‌نظران اهل سنت به پیراستگی شیعه از قول به تحریف را ذکر کرده و اقوال برخی از علمای متقدم و معاصر اهل سنت شامل آراء و نظرات: ابوالحسن اشعری (رهبر اشاعره)، رحمة‌الله هندی، دکتر محمدعبدالله دراز، شیخ محمد محمدمدنی، دکتر محمد تیجانی سمای را نقل می‌نماید.

رسیدگی به گزافه‌گویی گلدزیهر در کتاب مذاهب التفسیر الاسلامی که با استناد به دو کتاب که یکی به سبک تاویلات صوفیانه به نام بیان السعادة فی مقامات العبادة تألیف سلطان محمدبن حیدر بیدختی گنابادی





نحوه شروع و ورود به بحث توسط مؤلف، روشی علمی و منطقی دارد بدین معنی که پس از شرح و توضیح راجع به مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف، محل اختلاف در بحث تحریف قرآن را تحریر کرده و چگونگی استفاده خود قرآن از واژه تحریف را توضیح می‌دهد

کژی و کجروی شده و با سطحی‌نگری و خشک مغزی بدنبال روایات و دلایلی افتادند که هیچ ارزش سندی و محتوایی ندارد. سید نعمت‌الله جزایری در کتاب منبع‌الحیة و محدث نوری در کتاب فصل الخطاب لاطائلاتی را به هم بافته و خواسته‌اند به گمان خود تحریف قرآن را به اثبات برسانند. دلایل جزایری در کتابش مختصراً چنین است: حذف کلمه، جامعیت مصحف حضرت علی (ع) از دیگر مصاحف، تعدد مصاحف، حذف مدح اهل بیت و لعن منافقین و بنی امیه، اختلاف در مصحف تدوین شده توسط عثمان و حذف آیات فراوان از سوره نساء. ادله محدث نوری در کتابش بشرح زیر است:

ضرورت تشابه در حوادث گذشته و حال و لزوم تحریف در قرآن مانند تورات و انجیل، شیوه گردآوری قرآن، حذف آیات، تفاوت مصحف علی (ع) با مصاحف دیگر، مصحف مخصوص و متفاوت این مسعود، مصحف متفاوت ابی بن کعب، حذف آیات مورد نظر از طرف عثمان برای بقای سلطنت خویش، روایات اهل سنت در باب تحریف، حذف نام ائمه (ع) و اوصیا بعد از پیامبر (ص).

مؤلف پس از ذکر دلایل آنها شروع به رد و ابطال همه آن کرده و با منطقی استوار و قوی و اسنادی معتبر مشتمل آنها را باز نموده و سخافت کلامشان را آشکار می‌سازد. سپس به کتاب‌های مورد استناد محدث نوری پرداخته و همه آن کتاب‌ها را با ادله تاریخی و رجالی مخدوش و بی اعتبار می‌نماید.

در پایان این فصل از مجموع ۱۱۲۲ حدیثی که محدث نوری درباره تحریف قرآن آورده ۳۰۷ روایت را جدا کرده و طبق یک دسته‌بندی جالب آن را مورد تفحص قرار می‌دهد. دسته‌بندی هفتگانه مؤلف از قرار زیر است:

- ۱- روایات تفسیری که به منظور توضیح آیه یا بیان شان نزول یا تاویل یا تعیین مصداقی از مصادیق آن بوده است.
 - ۲- روایاتی که قرائات متفاوت و شاذ در بعضی از آیات را ذکر کرده است.
 - ۳- روایاتی که در آنها لفظ تحریف آمده و همه آنها به معنی تحریف معنوی و تفسیر نارواست.
 - ۴- روایاتی که به گمان مدعیان تحریف بر افتادن آیه یا کلمه‌ای از قرآن دلالت می‌کند که در حقیقت تفسیر و تبیین آیه بوده ولی مدعیان آن را دلیل بر کاستن و حذف از قرآن دانسته‌اند.
 - ۵- روایات مجعول، ضعیف یا مجهولی که شایسته استناد نیست.
 - ۶- روایاتی که زمان ظهور حضرت حجت (ع) را تشریح و بیان می‌کند که حضرتش قرآنی متفاوت با ترتیب و نظم فعلی قرآن به مردم خواهد آموخت.
 - ۷- روایاتی که درباره فضایل و مناقب اهل بیت رسیده ولی در تفسیر آیات از دیده‌ها پنهان مانده و یا بعمد نخواستند آنها را در شرح و تفسیر آیات دخالت دهند تا بدینوسیله فضایل ایشان را مخفی سازند.
- مؤلف این هفت دسته از روایات را شرح و بسط داده و سره و ناسره آن را مشخص کرده و حجت را به اتمام می‌رساند.

مزایا و ویژگی‌های کتاب

۱- نحوه شروع و ورود به بحث توسط مؤلف، روشی علمی و منطقی دارد بدین معنی که پس از شرح و توضیح راجع به مفهوم لغوی و اصطلاحی تحریف، محل اختلاف در بحث تحریف قرآن را تحریر کرده و چگونگی استفاده خود قرآن از واژه تحریف را توضیح می‌دهد. چنین ورودی به موضوع آمادگی ذهنی لازم را برای خواننده ایجاد نموده و او را از سردرگمی در مفاهیم نجات می‌بخشد.

۲- استفاده به جا از آیات و روایات در طول تمام کتاب موجب قوت استدلال نقلی در همه مباحث گشته به طوری که هیچ بخشی از فصول هشت گانه کتاب خالی از آن نیست.

۳- جداسازی اقوال و استدلال‌های عقلی و نقلی از کتاب‌های علمی بزرگ شیعه و اهل سنت و فرقه‌های حشویه و اخباریون نیازمند تفحص و تتبع در آثار فراوان و گسترده ایشان می‌باشد، نویسنده دانشمند بار سنگین این تحقیق را با صبر و حوصله و دقت و تدبیر به انجام رسانده و مجموعه‌ای از بهترین استدلال‌های عقلی و نقلی آنان را گردآوری نموده و با توضیح و شرح به آن کمال بخشیده است. در عین حال نسبت به وضعیت برخی از کتاب‌های مورد بحث عالمانه به مرجع‌شناسی آنها پرداخته و صحت و سقم آنها را کشف و ضبط فرموده که نشانی‌های اشاره شده در پاورقی‌ها و فهرست منابع و مآخذ در پایان کتاب نشانگر وسعت تتبع ایشان در آثار است.

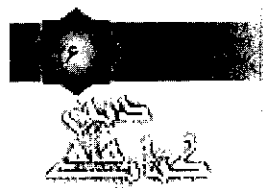
۴- ذکر تاریخ ولادت یا فوت عالم مورد نظر خواننده را در درک روند تاریخی اقوال و آراء علما یاری و راهنمایی نموده است.

۵- بررسی تاریخ کتب عهدین یعنی تورات و انجیل و چگونگی جمع‌آوری و ترجمه آن و تحریفاتی که در تراجم آن صورت پذیرفته از نقاط برجسته و عالمانه کتاب حاضر است. البته اشکالی را وارد می‌دانم که در بخش نقد و بررسی به آن خواهیم پرداخت.

۶- فصل‌بندی بین نظرات قائلین به تحریف قرآن در اهل سنت و شیعه و رسیدگی به هریک از آنها در فصول جداگانه از نقاط قوت تدوین و تنظیم این کتاب است.

۷- مؤلف کوشیده تمام آنچه راجع به تحریف قرآن گفته‌اند اعم از دلایل اهم یا مهم یا کم‌اهمیت همه را گردآورده و به نقد و بررسی آنها بپردازد و از این جهت کتاب حاضر جامعیت لازم در اصول و فروع مباحث را داراست.

۸- آیات استفاده شده در مجموع کتاب با اعراب‌گذاری دقیق قرائت



آیه را برای فارسی‌زبانان سهل و آسان نموده است.

۹- ترجمه کتاب با این که سلیس و روان صورت گرفته ولی امانت در آن ملحوظ بوده و مترجم محترم به فراخور مطلب برخی توضیحات را در متن کتاب داخل قلاب قرار داده تا اضافه شدن آن را در ترجمه نشان دهد و یا با نوشتن بعضی پاورقی‌ها مطلب موردنظر را ترجمه و یا توضیح داده است مثلاً در فصل هفتم اشعاری را که مؤلف به عنوان شاهد مثال آورده ترجمه و شاهد آن را توضیح داده، رعایت این نکته در ایضاح مطلب نقش مهمی ایفا می‌کند.

نقد و بررسی

۱- باتوجه به مقدمه مترجم، ترجمه این کتاب در سال ۱۳۷۶ پایان یافته و مؤلف نیز در همان سال مقدمه‌ای بر آن نوشته است ولی طبق آنچه در شناسنامه کتاب آمده اولین چاپ آن در سال ۱۳۷۹ به انجام رسیده است. از طرف دیگر اصل کتاب مؤلف با ترجمه دیگری با عنوان «مصونیت قرآن از تحریف» توسط دفتر تبلیغات اسلامی قم در سال ۱۳۷۶ منتشر شده است، حال سؤال این است که اولاً: چرا بین ترجمه کتاب و انتشار آن سه سال فاصله افتاده است؟

ثانیاً: باتوجه به انتشار ترجمه‌های از آن با عنوان ذکر شده در سال ۱۳۷۶ چه ضرورت و نیازی مترجم را به انجام ترجمه مجدد تحریص و ترغیب نموده است؟ آیا ترجمه قبلی ناقص و مخدوش بوده یا عدم اطلاع مترجم از آن موجب دوباره کاری گردیده است؟ اگر مترجم محترم در مقدمه خود به این نکات اشاره می‌کرد برای تنویر ذهن خواننده و دفع سؤال متبادر مفید بود.

۲- در مقدمه مترجم از صفحه ۳ تا ۱۰ مطالبی راجع به معنی لغوی و اصطلاحی تحریف، عوامل پیدایش دیدگاه تحریف و... آمده که در واقع تکرار مختصر برخی از مطالب مؤلف در فصل اول، سوم، هفتم و هشتم است در حالی که بهتر بود در مقدمه مختصری از زندگی استاد آیت‌الله معرفت و آثار قلمی ایشان، روش تحقیق و ترجمه خود و زحمات و ایامی را که برای آن صرف کرده، تاریخچه نظرات و آراء فرقه حشویه و اخباریون را بنگارد تا هم از تکرار خودداری شده باشد و هم کتاب کمال بیشتری یابد.

۳- مترجم در صفحه ۸ مقدمه در اثبات دقت و امانت در گردآوری قرآن به سه دلیل تمسک می‌نماید که دلیل اول و سوم مفاداً عین هم است.

۴- در صفحه ۱۰ مقدمه، پیدایش وهابیت را به کمتر از یک سده نسبت می‌دهد در حالی که اگر منظور ایشان پیشینه فکری آیین وهابیت است محققین این بحث تاریخ آن را به زمان ابن تیمیمه ابوالعباس احمدبن عبدالحمیم حرانی متوفی ۷۲۸ هجری قمری و شاگرد او شمس‌الدین ابوعبدالله محمد معروف به ابن‌قیم الجوزی متولد ۶۵۱ و متوفی ۷۵۱ هجری قمری منسوب می‌دانند و اگر منظور ایشان حضور سیاسی و فکری این آیین در عرصه حکومت شبه جزیره عرب است پیشینه آن به سال ۱۱۴۲ هجری قمری و ۵۰ سال پس از آن می‌رسد چه این که ابتدای ظهور محمدبن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی (۱۱۱۵ تا ۱۲۰۶ هـ - ق) در تاریخ فوق‌الذکر بوده و پس از ۵۰ سال آیین او شهرت یافت. حکمران درعیه بنام محمدبن سعود به یاری او شتافت و به تدریج مردم نجد و قبایل ساکن را به زیر فرمان آورده و سپس شهر ریاض را متصرف شدند و از آن به بعد آل سعود آنجا را پایتخت خود قرار داد. ^۱ بنابراین از پیشینه فکری این آیین هفت قرن و از پیشینه حکومت فکری و سیاسی آن بیش از دو سده و پنجاه سال می‌گذرد.

۵- در صفحه ۹ مترجم به مناسبت بحثش شش آیه ذکر نموده ولی از ترجمه آن فروگذاری کرده است. نمونه این اشکال در صفحات دیگر من جمله صفحات ۱۶۹ تا ۱۷۱، ۱۷۴ تا ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۹۲ تا ۱۹۵

و ۲۰۳ ملاحظه می‌شود.

۶- در سطر ۶ صفحه ۱۸ جمله «توشنارش در مصاحف بود، اما حکم آن همچنان باقی ماند» در اثر اشتباه ترجمه یا چاپ کلمه «بود» غلط و صحیح آن «نبود» است.

۷- در سطر ۱۵ صفحه ۴۶ چنین آمده: یا آیه «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ أَنْ لَوْكُنُوا يُعْلَمُونَ الْغَيْبَ» به «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْأَنْسُ أَنْ لَوْكَانَتِ الْجِنَّ يُعْلَمُونَ الْغَيْبَ» می‌داند. «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْأَنْسُ...» است.

در حالی که ترجمه صحیح آن چنین است که آیه «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنَّ...» تبدیل یافته از «فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْأَنْسُ...» است.

۸- در اصل کتاب و در پایان آن فهرست‌های عمومی شامل: فهرست آیات قرآنی، روایان و اعلام، مذاهب، گروه‌ها و دین‌ها، و منابع و مأخذ درج گردیده ولی در ترجمه حاضر فقط فهرست منابع و مأخذ آمده و بقیه فهرست‌ها حذف گردیده است.

۹- مؤلف در فصل اول با این که عنوان آن تحریف در لغت و اصطلاح است ولی شبهه نسخ تلاوت و مسئله انشاء را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهد در حالی که جای آن فصل هفتم است.

۱۰- بهترین روش بررسی و نقادی شبهات مخالفین در وهله اول بیان جامع شبهه و دلیل یا ادله آن از طرف خصم و سپس جرح و تعدیل آن است. مؤلف در این کتاب روش دیگری را پسندیده و آن این که از فصل دوم بلکه از فصل اول اقدام به رد و انکار آنان نموده و نهایتاً در فصل هفتم و هشتم دلایل آنها را به نحو تفصیل ذکر کرده و در ذیل هر دلیل از ادله آنها مجدداً اقدام به رد و ابطال نموده است. هرچند با بیان استدلال‌های استوار شبهه‌ای از شبهات تحریف را بلاجواب نمی‌گذارد ولی از جهت روش علمی نقد دچار آسیب است. همین موضوع باعث شده تا از فصل اول تا پایان فصل هشتم تکرار در مطالب به نحو قابل توجهی مشاهده شود. در اثر همین اشکالات تدوین صحیح این مجموعه دچار خدشه و نقصان است و پراکندگی در آن مشهود می‌نماید.

حال به عنوان نمونه به برخی از تکرار مطالب ذیلاً اشاره می‌کنیم:
الف - در پیشگفتار مؤلف مثال‌هایی از ادعای تحریف را بیان می‌کند که شامل: نسخ تلاوت، حذف بسیاری از آیات سوره احزاب و حذف قسمتی از آیه رضعات است. در فصل اول نسخ تلاوت را با تفصیل بیشتر بیان می‌دارد و در فصل هشتم صفحه ۲۰۸ نیز باز آن را تکرار می‌نماید. در فصل هفتم صفحات ۱۶۵ و ۱۶۶ آیه رضعات و در همان فصل صفحه ۱۷۰ حذف بسیاری آیات از سوره احزاب را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ب - در فصل دوم صفحه ۴۶ از قول محدث نوری و سیدجزایری تبدیل در بعضی از کلمات قرآن را مثال می‌آورد و به آیه شریفه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» که به زعم آنان در اصل «خَيْرَ أُمَّةٍ» بوده اشاره می‌کند و در فصل سوم صفحه ۶۶ آن را از قول شیخ مفید نقل و نظر او را در این باره مطرح می‌نماید مجدداً در فصل هشتم صفحه ۲۰۲ آن را مورد بررسی قرار می‌دهد.

ج - در فصل دوم صفحه ۶ تمسک اخباریون به احادیث فساطیط (خیمه‌ها) را مطرح و به آن جواب می‌گوید و باز در فصل هشتم صفحه ۲۵۸ عین همان جواب را تکرار می‌نماید.

د - در فصل اول صفحات ۳۲ و ۳۳ در بخش نسخ تلاوت به آیه رجم پرداخته و سپس در فصل هشتم صفحات ۱۶۰ تا ۱۶۲ به طور تفصیل به آن می‌پردازد.

۱۱- محدث نوری در کتاب فصل الخطاب یکی از ادله تحریف در قرآن را ضرورت تشابه حوادث گذشته با حال دانسته و چنین پنداشته که چون در کتب عهدین (تورات و انجیل) تحریف واقع شده پس لزوماً در قرآن نیز تحریف واقع گردیده است. مؤلف برای اثبات باطل بودن این پندار، فصل

استفاده به جا از آیات و روایات در طول تمام کتاب موجب قوت استدلال نقلی در همه مباحث گشته به طوری که هیچ بخشی از فصول هشت گانه کتاب خالی از آن نیست.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ هَلْ عَلَّمَ الْقُرْآنَ كَلَّمَ مَلَكًا فَرِحًا فَرِحَ الْكَلْبُ كَلَّمَ الْغُلَامَ

کتاب حاضر اقدام می‌نمودند بالاخص این که هدف خود را از نشر آن استفاده دانشگاهیان عنوان کرده‌اند و در هر قسمت اعم از طرح شبهه یا جواب آن، حذف اضافات و تکررات و فصل‌بندی دقیق به روش علمی روز اقدام می‌کردند تا استفاده از آن برای همه سهل‌الوصول و آسان می‌گشت. ۱۴- کتاب حاضر هرچند از نظر نگارش و چاپ صحیح کلمات جایگاه خوبی دارد ولی ذیلاً تعدادی از اغلاط چاپی را ذکر می‌کنم تا ان شاءالله در چاپ‌های بعدی موردعنایت و تصحیح ناشران محترم قرار گیرد.

- ص ۴۲ س ۱۸ ظبط ← ضبط
- ص ۶۱ س آخر لیل ← دلیل
- ص ۱۲۰ س ۱۰ اصرا ← اصرار
- ص ۱۵۴ س ۵ روزهای ← روزیهای
- ص ۲۱۴ س ۱۶ نایبان ← نایبنا
- ص ۲۵۸ س ۸ امروز ← امروز

در پایان به تلاش و مجاهدت‌های مؤلف کتاب استاد گرامی آیت‌الله معرفت، مترجم و ناشران معزز ارج نهاده و برای آنها اجر و توفیق روز افزون مسئلت می‌نمایم.

پی‌نوشت‌ها:

۱. ده گفتار، مرتضی مطهری، مقاله اصل اجتهاد در اسلام، صفحه ۷۲.
۲. **إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ** (آیه ۹ سوره اسراء) یعنی: همانا این قرآن به آنچه استوارترین است هدایت می‌کند.
۳. **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا** (آیه ۲۴ سوره محمد ص) یعنی: آیا در قرآن تدبّر نمی‌کنند یا بر دلهاشان خود قفل‌ها زده‌اند.
۴. **وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا** (سوره فرقان آیه ۲۹)
- یعنی: رسول به شکوه امت عرض کند بار الهی همانا امت من این قرآن را متروک کردند.
۵. برای بازخوانی و تحقیق در موارد یاد شده رجوع کنید به: خمود و خمود، تحقیقی درباره تبحر فکری و تبحر عملی، محمد اسفندیاری، نشر باز، صفحه ۶۳ به بعد.
- الاجتهاد و الاخبار، الرد علی شبهات الاخباریین، وحید بهبهانی. فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمدجواد مشکور، نشر آستان قدس رضوی، صفحات ۴۰ تا ۴۲.
- مجله رشد آموزش معارف اسلامی، شماره ۲ تابستان ۶۷، مقاله نهضت‌های ضد عقلی در تاریخ اسلام، صفحه ۳۲.
۶. کتاب حاضر، صفحه ۱۵.
۷. آیه ۹ سوره حجر یعنی: البته ما قرآن را نازل کردیم و ما محققاً آن را محفوظ خواهیم داشت.
۸. رجوع کنید به: نقد و بررسی آیین وهابیت، همایون همتی، نشر ضحی، صفحه ۷۶ و ۷۹ و پیشینه سیاسی، فکری وهابیت، محمدابراهیم انصاری لاری و کشف الایجاب فی اتباع محمدین عبدالوهاب، السید محسن الامین الحسینی العاملی و الاعلام زرکلی، خیرالدین زرکلی، جلد ۷.
- ذیل نام محمدین عبدالوهاب و فرهنگ فرق اسلامی، دکتر محمدجواد مشکور، صفحات ۴۵۷ تا ۴۶۱.
۹. قسمتی از آیه ۱۴ سوره سبأ.
۱۰. قسمتی از آیه ۱۱۰ سوره آل عمران.

ششم حاوی ۳۱ صفحه را به آن اختصاص داده است و مجدداً در فصل هشتم صفحه ۲۰۷ از آن دکری به میان می‌آورد در حالی که به هیچ یک از ادله قائلین به تحریف با این طول و تفصیل نپرداخته است و این در حالیست که دلیل مذکور مانند بسیاری از دلایل اخباریون از وزن و قیمت قابل ملاحظه‌ای برخوردار نیست. حال چرا مؤلف به این موضوع با چنین طول و تفصیلی پرداخته بر ما معلوم نشد. ای کاش نویسنده گرانقدر این کتاب به جای تفصیل فصل فوق‌الذکر به مبحث ملازمت بین قول به تحریف قرآن و انکار نبوت و خاتمیت پیامبر اسلام (ص) و امامت اوصیاء برحق او می‌پرداخت و یا به بحث ملازمت بین آن و توقف در اصول اعتقادات و تکالیف مسلمین می‌رسید و یا بحثی مستوفی راجع به گردآوری قرآن (در فقره بعد به این اشکال اشاره خواهد شد) می‌نکاشت چرا که جای این‌گونه روشنگری‌ها در این کتاب خالی می‌نماید.

۱۲- همانگونه که در معرفی کتاب ذکر شد مؤلف در پیشگفتار سابقه پیدایش پندار تحریف قرآن را به اختلاف صاحبان مصحف‌های نخستین در نگارش، تهجی و قرائات متفاوت و نهایتاً یکدست شدن مصاحف بازگرداند. در فصل هشتم صفحه ۱۹۷ نیز یکی از علل باور اخباریون در این زمینه را که اطلاعی آنها از چگونگی نزول قرآن و بازخوانی آن توسط پیامبر اکرم (ص) شمرده و در صفحه ۱۹۸ تعدد مصاحف و در صفحه ۲۰۷ شیوه گردآوری و جمع قرآن را عوامل این گمان نادرست می‌داند. ولی باتوجه به اهمیت این اشکال و ضرورت پاسخگویی و رد شبهه آنها در این مسئله از آوردن ادله در این مورد و اثبات صحت جمع‌آوری و نسخه‌برداری از قرآن نازل بر پیامبر (ص) خودداری کرده و خوانندگان را در این موارد به جلد اول کتاب التمهید فی علوم القرآن که تألیف خود ایشان است ارجاع داده در حالی که شایسته بود مختصری از امهات مسایل مطروحه در این زمینه را در فصل هشتم می‌گنجاند و بهمان نحو که به شبهات دیگر پاسخ فرموده این شبهه را نیز بی‌جواب نگذارد و پاسخی وافی ارائه می‌فرمود.

۱۳- شایسته بود ناشران محترم با اجازه مؤلف نسبت به تدوین مجدد

